



نشریه علمی علم و تمدن در اسلام

سال دوم / شماره هفتم / بهار ۱۴۰۰

DOR: 20.1001.1.26764830.1400.2.7.3.6

نقش جویی‌ها در بازیابی علمی و آموزشی در عصر ایلخانان (۶۵۴-۷۳۶ ق)

هادی شمس آبادی^۱ / حامد قرائتی^۲
(۷۵-۵۶)

چکیده

خاندان جویی از جمله خاندان‌های ایرانی هستند که نقش موثری در توسعه و رونق تمدن اسلامی در قرن ششم و هفتم هجری داشته‌اند. این خاندان در عصر ایلخانی (۶۵۴-۷۳۶ ق) با وجود چالش‌ها و معضلاتی که در پی حمله مغولان جهان اسلام را ملتهب نموده بود، مجموعه‌ای از اقدامات و تدابیر موفق را با هدف توسعه و تعالی علم و دانش آموزی اتخاذ نمودند. این تحقیق باتکیه بر منابع تاریخی و با روش توصیفی-تحلیلی در پی پاسخ به این مسئله است که خاندان جویی چه نقشی را در بازیابی تمدن اسلامی در حوزه‌های علم و آموزش برعهده گرفته‌اند. چه اینکه با وجود آثار و پیامدهای ناگوار حمله مغول به سرزمین‌های اسلامی، خاندان جویی با حمایت از دانشمندان و تألیفات علمی، پرهیز از تعصبات مذهبی در مناسبات علمی، جانمایی اولویت‌ها و ضرورت‌های اجتماعی در متون و میراث علمی، صیانت از ذخائر علمی و بازسازی مدارس و اصلاح نظام آموزشی علاوه بر تعدیل خسارت‌های حمله تمدن سوزانه مغولان، تحولات بنیادینی را در حوزه علم و آموزش موجب شدند.

واژه‌های کلیدی: بازیابی علمی-آموزشی، خاندان جویی، عطا ملک، شمس الدین محمد، ایلخانان

۱. دانش آموخته حوزه علمیه قم، سطح سه تاریخ تشیع مرکز آموزش عالی حوزوی امام رضا (ع)، قم، ایران.

shamsdoja@gmail.com

۲. دانش آموخته حوزه علمیه قم، دکتری شیعه شناسی و استادیار گروه تاریخ دانشگاه باقرالعلوم (ع)، قم، ایران. (نویسنده مسئول)

gharaati_1359@yahoo.com

مقدمه

حاکمیت خلفای عباسی (۱۳۲-۶۵۶ ق) با بیش از پنج قرن استمرار و پس از تجربه فراز و نشیب‌های متعدد در حوزه دانش و آموزش به یکباره با حمله مغولان به پایان رسیده و فرهنگ و تمدن جهان اسلام را دستخوش چالش‌های جدیدی نمود. دوره‌ای که در آن حکمرانان مغول بر اریکه قدرت تکیه زده و اگر نبود تلاش نخبگان جهان اسلام می‌رفت تا میراث سترگ تمدنی جهان اسلام به فراموشی سپرده شود. این تحقیق تلاش دارد باتکیه بر منابع تاریخی دست اول و البته بهره‌مندی از تحلیل‌ها و یافته‌های پژوهش‌های معاصر و مبتنی بر روش توصیفی-تحلیلی عملکرد یکی از خاندان‌های ایرانی را در عرصه بازیابی علمی و آموزشی در قلمروی زمانی و جغرافیای حکمرانی سلاطین ایلخانی (۶۵۴-۷۳۶ ق) مورد کاوش قرار دهد.

بررسی تجربه‌های گذشته در مواجهه با چالش‌های فراگیری چون تهاجمات نظامی، اشغال و استعمار و یا بحران‌های اقتصادی و حتی شیوع بیماری‌های فراگیر، خواهد توانست میراث ارزشمندی را پیش روی سیاست‌گذاران قرار داده تا با الگو گرفتن از سیاست‌های موفق و پرهیز از تجربه‌های تلخ گذشته، فرایند رونق و شکوفایی علمی و آموزشی را تسریع بخشند. این تحقیق تلاش دارد مواضع، رویکردها و اقدامات چهره‌های شاخص خاندان جوینی را در بازیابی (صیانت، اصلاح و ترمیم) عرصه‌های مختلف علمی و آموزشی جامعه اسلامی در دوره حکمرانی دولتمردان ایلخانی را مورد بررسی قرار داده تا نتایج این بررسی در ضمن بیان فرصت‌ها و تهدیدهای رخ داده، تجربه تاریخی ارزشمندی را در دسترس خوانندگان قرار دهد.

نقد و بررسی زندگانی و تلاش‌های خاندان جوینی پیش از این نیز مورد توجه پژوهشگران ارجمند قرار گرفته است به‌طوری‌که آثار منتشر شده در موضوع زندگانی، آثار و اقدامات خاندان جوینی را می‌توان در سه گروه کلی چنین دسته‌بندی نمود:

الف) آثاری که به زندگی نامه و اندیشه خاندان جوینی پرداخته‌اند. مانند: مقاله «سیری در زندگی، افکار و اندیشه‌های عظاملک جوینی» (دهقانی، ۱۳۹۷: ۸۳-۶۹)، مقاله «خاندان جوینی در دستگاه ایلخانی» (اصفهانیان، بی تا: ۲۸-۱۲)، مدخل «جوینی خاندان» تألیف هاشم رجب زاده، مدخل «جوینی عبدالملک بن عبدالله بن یوسف بن محمدبن حیویه» تألیف حسین هوشنگی و مدخل «جوینی عبدالله بن یوسف» تألیف فریده سعیدی.

ب) آثاری که به معرفی نوشته‌های به جامانده از ایشان پرداخته‌اند. مانند: مقاله «مروری انتقادی بر کتاب غیاث الامم فی التیاث الظلم نوشته امام الحرمین ابوالمعالی جوینی» (کاظمی موسوی، ۱۳۶۹: ۱۴۵-۱۳۵)، مقاله «افسانه‌ها و اسطوره‌های ایرانی در تاریخ جهانگشای جوینی» (خاتمی و قریشی، بی تا: ۶۸-۵۳)، مقاله «نمودهای برجسته هویت ایرانی در تاریخ جهانگشای جوینی» (علیخانی و بزرگ بیگدلی، ۱۳۹۲: ۶۸-۵۳)، مقاله «بررسی و تحلیل نمودهای فرهنگ پایداری در تاریخ جهانگشای جوینی» (بزرگ بیگدلی و آقانوری، ۱۳۹۵: ۷۹-۴۵)

ج) آثاری که به اقدامات خاندان جوینی پرداخته‌اند. مانند: مقاله «اقدامات خاندان جوینی در زمان مغول» (شعبانی و امیری، ۱۳۹۰: ۱۱۸-۱۰۵) و مقاله «نقش خاندان جوینی در مواجهه با مغولان» (بهنام فر، ۱۳۹۶: ۵۲-۳۵)

از میان آثار پیش گفته دو گروه نخست بر زندگی نامه یا نقد و بررسی آثار ایشان تمرکز یافته‌اند. گروه سوم نیز اقدامات خاندان جوینی را بدون تمرکز بر عرصه‌ای خاص مورد بررسی قرار داده است. از این رو مقاله حاضر با تمرکز بر نقش خاندان جوینی در بازیابی علمی و آموزشی، متفاوت از آثار پیش گفته است. مضافاً به اینکه در این مقاله بر «بازیابی» به عنوان رویکرد حاکم بر گفتمان نظری و عملی ایشان تأکید شده است. چه اینکه تمدن اسلامی به‌ویژه در قرون اخیر و در مواجهه با چالش‌های اجتماعی و تمدنی به تقلید یا ابداعات بیگانه از اصول و میراث تمدنی خود دست یازیده و در موارد متعددی افول و انحطاط تمدنی را تجربه نموده است. این تحقیق تلاش دارد با کنارهم قرار گرفتن سه گانه «فرهنگ»، «علم» و «آموزش» ذیل آموزه‌های تعالی بخش اسلامی، تلاش‌های خاندان جوینی در بازیابی فرهنگ و تمدن اسلامی را مورد نقد و بررسی قرار دهد. مراد از بازیابی در این تحقیق مجموعه‌ای از تلاش‌ها، اقدامات و رویکردهای هدفمندی است که از سوی شخص یا گروهی برای احیای مجدد، رفع موانع و کاستی‌ها و در نهایت پویایی و شکوفایی در حوزه‌ای خاص، به‌کارگرفته شود.

خاندان جوینی

این خاندان برخاسته از جوین از شهرهای مهم خراسان در قرن چهارم بوده که خود را از اعقاب فضل بن ربیع بن یونس از کارگزاران خلفای عباسی می‌دانستند. برخی از مهم‌ترین شخصیت‌های جوین عبارت‌اند از: احمد بن حمویه (م ۵۲۵ ق)، سعدالدین ابوعبدالله محمد بن حمویه جوینی

(م ۵۳۵ ق) جد چهارم سعدالدین حموی (م ۶۴۹ ق) عارف شهر، ابوالحسن علی بن محمد صوفی حموی جوینی (م اواسط قرن ششم قمری) از اصحاب و شاگردان ابوحامد غزالی طوسی، ابوالفتح عماد الدین عمر بن علی حمویه جوینی (م ۵۷۷ ق) متوطن در شام، سعدالدین ابوالمفاخر محمد حموی جوینی (م نامعلوم)، صدرالدین ابوالحسن محمد حموی جوینی (م ۶۱۷ ق) از مشایخ صوفیه و مدفون در موصل، عمادالدین ابوالفتح عمر اشعری جوینی که مدرس مدرسه شافعی مصر بوده است، فخرالدین ابوالفضل یوسف حموی (م ۶۴۷ ق) که به دست صلیبیان در نبرد منصوره کشته شده است، عبدالله جوینی صوفی (م ۵۳۰ ق) که در شام و مصر سکونت داشته است، عیسی بن احمد جوینی (م ۶۵۸ ق) از زهاد مشهور قرن هفتم، سعدالدین ابوالسعادات (م ۶۵۵ ق) صاحب کتابی با عنوان «محبوب» در عرفان، صدرالدین ابراهیم بن سعدالدین جوینی که غازان خان مغول به دست وی اسلام آورد، معین الدین جوینی که نگارستانش را به تقلید از گلستان سعدی در سال ۷۳۵ ق نگاشت، موید الدین منتجب الدین بدیع اتابک جوینی از منشیان سلطان سنجر سلجوقی و دارای اثری موسوم به «عنه الکتبه»، شمس الدین محمد جوینی (م ۶۸۳ ق)، ملقب به صاحب دیوان و وزیر هلاکو خان مغول و علاء الدین عظاملک جوینی (م ۶۸۱ ق) که بیش از دو دهه حکومت عراق و بغداد را بر عهده داشته و مؤلف کتاب تاریخ جهانگشا بوده است. این گروه از نخبگان جوین علاوه بر به یادگار گذاشتن آثار علمی و ادبی، از ایرانیانی بودند که توانستند در دولت‌های مختلف به‌ویژه دولت ایلخانی صاحب مناصب سیاسی مهمی گردند.

جوینی‌ها در طول اعصار مختلف در چهار شاخه و منطقه جغرافیایی می‌زیسته‌اند. این چهار گروه به اختصار عبارت‌اند از:

الف) جوینی‌های سرخس که مشهورترینشان ابومحمد عبدالله بن عمر حموی (م ۶۵۳ ق) است. او محدث (ابن مستوفی، ۱۹۸۰، ج ۲: ۳۲۷) و دارای دو کتاب به نام‌های «سیاحتنامه» و «فی سیاست الملوک» می‌باشد. (قدیانی، ۱۳۸۷، ج ۱: ۶۷) ابن عدی‌ام در کتاب خود بارها از وی نقل گزارش کرده است. (ابن عدی‌ام، بی تا، ج ۶: ۲۹۸۳، ۲۸۷۸، ۲۵۹۹؛ ج ۷: ۳۱۲۱-۳۰۸۹)

ب) جوینی‌های شام و مصر که عهده‌دار مسئولیت‌های علمی و سیاسی در دولت‌هایی چون ایوبیان (۵۶۷-۶۴۸ ق) بوده‌اند. از جمله جوینی‌های شام و مصر را می‌توان ابوالفتح حمویه جوینی (م ۵۷۷ ق) دانست. صدر الدین عبدالله بن عمر مشهور به شیخ الشیوخ نیز از مدرسان

(ابن کثیر، ۱۴۰۷ق، ج ۱۳: ۱۷۸) و احیا کنندگان موقوفات مدارس شام (سیوطی، ۱۴۱۸ق، ج ۲: ۲۲۵) و مؤسس خانقاهی در دمشق (نعیمی، ۱۴۱۰ق، ج ۲: ۱۲۱) بوده است.

ج) جوینی‌های یزد دسته دیگری از جوینی‌ها هستند. محمد السعدی (الیزدی) (م ۹۱۵ ق) (کحاله، بی تا، ج ۱۰: ۲۴) ملقب به «سالک الدین» که در سال ۸۴۷ ق در یزد متولد شده و دو کتاب از وی با عنوان «کنز السالکین» (منزوی، ۱۳۸۲ ش، ج ۳: ۲۲۴۹؛ ج ۷: ۷۷۴۷) و «حجله العرایس» نام دیگرش «رسائل طبیه» به یادگار مانده است.

د) جوینی‌های خراسان که ساکن در موطن اصلی خود جوین بوده‌اند. از مشهورترین این گروه شمس الدین محمد و علاء الدین عظاملک جوینی و اعقاب منسوب به این دو هستند.

گفتنی است که به دلیل قلمروی زمانی تحقیق تنها به اقدامات و سیاست‌های افرادی از این گروه پرداخته می‌شود که پس از حمله مغول تا سقوط دولت ایلخانان می‌زیسته‌اند.

نقش علم و آموزش در توسعه فرهنگ و تمدن اسلامی

فرهنگ به عنوان روح حاکم بر جامعه، نقش موثری بر انحطاط یا تعالی یک جامعه بر عهده دارد. با حمله مغولان به جهان اسلام، عنصر فرهنگ متحمل بیش‌ترین خسارت‌های مادی و معنوی شد. آسیب و تهدیدی که می‌توانست جامعه و میراث تمدنی جهان اسلام را به شدت تهدید نموده و یا حتی منقلب نماید. با این حال به نظر می‌رسد برخی از نخبگان مسلمان اعم از شیعه و سنی تلاش داشته‌اند با ابزارهای مختلف حتی حضور در دربار مغولان، این خسارت‌ها را تعدیل نموده و یا در پی جبران‌ش برآیند.

این درحالی بود که شرایط اجتماعی در اواخر عصر عباسی به دلایل مختلفی دچار تنش‌ها و چالش‌های متعددی گشته بود. چه اینکه حاکمیت طولانی مدت خلفای عباسی بر اکثر بلاد اسلامی باعث شده بود تا نوعی استبداد فرهنگی و تمدنی بر قلمروی ایشان حاکم گشته و به جز مقاطع محدودی، سایر فرق و جریان‌های اجتماعی تحت فشارهای مختلف اجتماعی، سیاسی و مذهبی قرار داشته باشند. شرایطی که اتحاد و انسجام اجتماعی در جهان اسلام را به شدت تهدید می‌نمود. اما با سلطه مغولان غیر مسلمان بر قلمروی خلافت عباسی، نوعی مدارا و تسامح مذهبی حاکم گشت. فضایی که فرصتی مغتنم برای اقلیت‌های مذهبی یا جریان‌های فکری مقهور خلفای عباسی بود تا مناسبات اجتماعی و تمدنی خود را با سایر طبقات و گروه‌ها ترمیم نمایند. به

هر روی به نظر می‌رسد حاکمیت سلاطین مغول تجربه‌ای جدید از گفتمان فرقه‌ای در جهان اسلام را ایجاد نمود که تحلیل نوع مواجهه نخبگان و خاندان‌های مسلمان با این شرایط، اهمیتی دو چندان دارد. با توجه به مطالب پیش گفته شاید بتوان مجموعه اقدامات و تدابیر اتخاذ شده توسط ایشان را در محورهای زیر چنین برشمرد:

جایگاه و خاستگاه علمی خاندان جوینی

پس از حمله هلاکوخان در سال ۶۵۴ ق دولتمردان، دانشمندان و بزرگان علمی، ادبی و عرفانی بسیاری از دم تیغ مغولان گذشته، مدارس، دارالعلم‌ها، مساجد و کتابخانه‌های متعددی ویران گشت. اما در این بین نخبگانی چون خواجه نصیر الدین طوسی (م ۶۷۲ ق) و عطاملک جوینی تلاش نمودند تا حد مقدور خسارات این حمله تمدن سوزانه را تعدیل نمایند. به‌طوری‌که خواجه نصیر الدین با تصدی اوقاف در عصر ایلخانی تلاش نمود تا با کمک منابع مالی اوقاف و حمایت از عالمان و تأسیس مراکز علمی، بخشی از خسارات وارده را جبران نموده (مدرس، ۱۳۷۹: ۸۴) و یا عطاملک در ماجرای سقوط قلاع الموت از هلاکو خواست که قبل از آتش زدن کتابخانه‌های اسماعیلیه، اجازه یابد برخی از کتاب‌های ارزشمند این کتابخانه را حفظ نماید. (جوینی، ۱۳۸۵، ج ۱: ۱۳۵)

البته خاندان جوینی سال‌ها پیش از این نیز در عرصه علوم و مراکز آموزشی حضوری مؤثر داشتند. از جمله ایشان ضیاء الدین ابوالمعالی عبدالله بن یوسف (م ۴۷۸ ق) از دانشمندان بزرگ قرن پنجم بوده که علم پژوهان بسیاری از عراق و حجاز برای تحصیل علوم به سوی او می‌شتافتند. به‌طوری‌که برخی، شاگردان وی را بالغ بر چهارصد تن برشمرده‌اند. (صفا، ۱۳۷۳، ج ۱: ۲۶۷) همچنین بهاء الدین محمد بن علی (م ۵۹۵ ق)، جدّ عطاملک جوینی نیز در حضور علاء الدین خوارزمشاه (۵۶۸-۵۹۶ ق) با بهاء الدین محمد بن موید بغدادی (۵۸۸ ق) به مناظره علمی می‌پرداخته (حلمی، ۱۳۸۷: ۲۰۸) و یا ابوعبدالله محمد بن حمویه جوینی بحرآبادی (م ۵۳۰ ق) مذاکراتی علمی با احمد غزالی (م ۵۰۵ ق) داشته است. (جامی، ۱۳۷۵: ۴۱۴) ابوالمعالی عبدالملک بن عبدالله جوینی (م ۴۷۸ ق) مشهور به امام الحرمین از مشهورترین دانشمندان این خاندان است که خواجه نظام الملک (م ۴۸۵ ق) مدرسه نظامیه نیشابور را برای بهره‌مندی محصلان از دانش‌های وی بنا نمود. (قزوینی، ۱۹۹۸: ۲۳۷) امام الحرمین به مدت ۳۰ سال به

تدریس در این مدرسه اهتمام ورزیده و هر روز در حدود سیصد دانشمند از محفل علمی او بهره می‌بردند. (صفا، ۱۳۷۳، ج ۲: ۲۳۵) در این دوره نیشابور و نظامیه‌اش مورد توجه دانشمندان سایر بلاد قرار گرفته و برخی همچون شیخ ابواسحاق شیرازی (م ۴۷۶ ق) از مدرسان برجسته نظامیه بغداد به ملاقات امام الحرمین در نیشابور می‌شتافتند. (سبکی، بی تا، ج ۴: ۲۲۲-۲۲۰)

جالب توجه اینکه حتی سیاسی‌ترین افراد این خاندان مانند شمس الدین محمد که صاحب دیوان و وزیر هلاکوخان بود نیز دارای آثار علمی و ادبی متعددی بوده و برخی از منشآت، غزلیات، قصاید و آثار مکتوب وی به یادگار مانده (براون، ۱۳۳۹: ۴۰-۳۴) و علاوه بر پژوهشگران معاصر، در عصر خودش نیز خوانندگانی داشته است. (شیرازی، ۱۳۳۸: ۵۸) تاریخ جهانگشا اثر عظاملک جوینی نه تنها با توجه به محتوای تاریخی (اشپولر، ۱۳۵۱: ۶) بلکه به لحاظ سبک و روش و قالب-های نگارشی، ادبی و تمدنی، اثر متمایزی دانسته شده و علاوه بر دانشمندان مسلمان مورد توجه مستشرقان بسیاری نیز قرار گرفته است. (کوپرولو، بی تا، مدخل «علاءالدین جوینی» یان ریپکا (م ۱۹۶۸) معتقد است: «یکی از کتاب‌های نفیس تاریخی که دوره مغول بدان ممتاز است تاریخ جهانگشا تألیف علاء الدین عظاملک جوینی است که سبکی سخت متکلف دارد و بسی فراتر رفته و نمونه هراس انگیز یک نثر مصنوعی فنی تاریخی است.» (ریپکا، ۱۳۵۴: ۴۹۵)

پتروشفسکی ایرانشناس روسی نیز معتقد است: «مطالب تألیف جوینی بیشتر از سه جهت ارزنده است: ۱) اطلاعات مربوط به خرابی‌های زمان غلبه مغول از لحاظ وضع اقتصادی ایران در نیمه اول قرن سیزدهم میلادی نمودار نیکی است. ۲) شرح یا سای کبیر چنگیز خان ۳) اطلاعات مربوط به سیاست مالیاتی جانشینان خان بزرگ مغول در ایران که قبل از هولاکو خان حکومت می‌کرده‌اند.» (پتروشفسکی، ۱۳۴۴، ج ۱: ۱۷) این کتاب حتی در عصر خود مورد توجه سایر مورخان قرار گرفته و برخی مانند ناصرالدین حسین رغدی (م ۶۸۴ ق) کتاب خود در تاریخ سلاجقه روم را به تقلید از تاریخ جهانگشا نگاشته است. (مشکور، ۱۳۷۴: ۲۰) البته عظاملک به جز تاریخ جهانگشا اثر دیگری به نام «تسلیه الاخوان» داشته است. (جوینی، ۱۳۸۵: ۲۸-۱۲) به هر روی می‌توان تدابیر و سیاست‌های علمی و آموزشی جوینی‌ها پس از حمله مغول را در محورهای زیر دسته بندی نمود:

۱. وی شرق شناس جمهوری چک است و مترجم و استاد زبان فارسی و ترکی در دانشگاه کارلف پراگ بود.

۳) حمایت از علما و تولید آثار علمی

خاندان جوینی مجموعه اقدامات و سیاست‌هایی را با هدف حمایت از عالمان و تولید آثار مکتوب اتخاذ نمودند. به‌عنوان نمونه سلطان احمد تکودار ایلخانی (حک: ۶۸۰-۶۸۳) بنا به توصیه شمس الدین محمد جوینی، فرمان‌هایی مبنی بر بازسازی نهادهای دینی و اوقاف صادر نموده و از دولتمردان خود خواست که از عالمان بلاد دلجویی و تفقد گردد. (بیانی، ۱۳۷۱، ج ۲: ۴۱۳) شمس الدین محمد و عظاملک گرچه از کارگزاران سلاطین ایلخانی بودند اما در موارد متعددی از قدرت و جایگاه خود برای توسعه علوم و ارتقای جایگاه دانشمندان بهره می‌بردند. به‌طوری‌که برخی عالمان همچون صفی الدین عبدالمومن (م ۶۹۳ ق) از مفاخر ارومیه که در خردسالی به بغداد رفته و در مدرسه مستنصریه تحصیل کرده بود بعد از حمله مغول مورد حمایت عظاملک قرار گرفته و حتی متصدی منصب کتابت انشاء شد. (خواند میر، ۱۳۸۰، ج ۳: ۱۰۵؛ نفیسی، ۱۳۴۴، ج ۱: ۱۴۶) چنین توجهاتی باعث شده بود تا در آن روزگار، عظاملک و یا شمس الدین محمد مأمون دانشمندان و مورد علاقه ایشان واقع شوند.

این حمایت‌ها در مواردی هم با اعطای هدیه‌های گرانسنگ صورت می‌گرفت. ذهبی (م ۷۴۸ ق) آورده است که هر دانشمندی که کتاب خود را به شمس الدین محمد تقدیم می‌کرد، هزار دینار سرخ هدیه می‌گرفت. (ذهبی، ۱۴۰۷، ج ۵۱: ۸۲) این رویه باعث شده تا آثار علمی متعددی با این پشتوانه مالی تألیف گردند. که مشهورترین این آثار و مولفان هر یک عبارت‌اند از:

-خواجه نصیر الدین طوسی دو کتاب خود با عنوان «اوصاف الاشراف» و «ترجمه ثمره بطلمیوس» را به بهاءالدین محمد جوینی تقدیم نمود. (بیانی، ۱۳۷۱، ج ۲: ۴۰۶) کتاب نخست در سیره اولیا و روش سالکین و کتاب دوم در نجوم و به زبان فارسی است.

-امیر ناصر الدین حسین رغدی مشهور به «ابن بی بی» از دانشمندان قرن هفتم نیز کتاب خود با عنوان «الوامر العلائیه» را به عظاملک جوینی تقدیم نمود. (صفا، ۱۳۷۳، ج ۳: ۱۲۱۶)

-صفی الدین عبدالمومن ارموی (م ۶۹۳ ق) از دانشمندان مشهور موسیقی در این دوره نیز کتاب خود با عنوان «رساله شرفیه فی النسب التالیفیه» را به شرف الدین هارون فرزند شمس الدین محمد، صاحب دیوان تقدیم نمود. (خواند میر، ۱۳۸۰، ج ۳، ص ۱۰۵؛ اقبال آشتیانی، ۱۳۷۶:

-حسین بن اسعد دهستانی (قرن هفتم) نیز کتاب «فرج بعد از شهرت» را به عزالدین طاهر فریومدی جوینی^۱ تقدیم نمود. (ابن فوطی، ۱۴۱۵: ۳۵)

-شیخ فخرالدین ابراهیم همدانی (عراقی) (م ۶۸۸ ق) از شاعران قرن هفتم مصر که منظومه شعر خود با عنوان «عشاق نامه» را به شمس الدین محمد جوینی تقدیم کرد. (صفا، ۱۳۷۳، ج ۳، ص ۵۶۸)

-مجدالدین بن احمد (م ۴۸۰ ق) از دانشمندان شهیر قرن هفتم نیز منظومه اشعار خود موسوم به «قابوسنامه عنصرالمعالی» را به بهاءالدین محمد جوینی تقدیم کرد. (خواند میر، ۱۳۸۰، ج ۳: ۱۱۷)

-نجم الدین از ریاضی دانان و شاگردان شهیر خواجه نصیر الدین طوسی نیز کتاب خود موسوم به «شمسیه» را به شمس الدین محمد جوینی تقدیم نمود. (صفا، ۱۳۷۳، ج ۳: ۲۴۲؛ خواندمیر، ۱۳۸۰، ج ۳: ۱۰۷)

-قطب الدین شیرازی (م ۷۱۰ ق) دیگر شاگرد خواجه نصیرالدین طوسی نیز کتاب خود با عنوان «نهایه الادراک فی درایه الافلاک» در علم ریاضی را به بهاءالدین محمد جوینی تقدیم کرد. (صفا، ۱۳۷۳، ج ۳: ۲۷۱)

-ابن صیقل جزری (۷۰۱ ق) نیز کتاب مقامات زینبیه را به عطاملک جوینی تقدیم کرد. (حاجی خلیفه، بی تا: باب میم)

-کمال الدین بحرانی (م ۶۷۹ یا ۶۹۹ ق) نیز شرح خود بر نهج البلاغه را به عطاملک جوین تقدیم کرد. (جوینی، ۱۳۸۵، ج ۱: ۸۲)

-همام تبریزی (۷۱۴ ق) شاعر شهیر قرن هشتم نیز مثنوی «صحبت نامه» خود را به شرف الدین هارون جوینی تقدیم کرد. (خواند میر، ۱۳۸۰، ج ۳: ۱۰۷؛ راوندی، ۱۳۸۲، ج ۸: ۴۸۶)

۱. وی مردی ادب دوست و شاعر پرو بود و از وزارای نامدار امیر ارغوان آقا در خراسان سال ۶۴۱-۶۵۴ هجری بود و همه اختیارات را داشت و دوش به دوش خواجه بهاءالدین جوینی (پدر عطاملک و شمس الدین) عهده دار اداره امور امیر ارغوان بو(این امیر ارغوان پسر اباقا خان است و این غیر از امیر ارغون است).

تأسیس یا بازسازی مدارس و اصلاح نظام آموزشی

عطاملک و برادرش شمس الدین محمد علی‌رغم مشاغل و مسئولیت‌های سیاسی اما غافل از مراکز و نهادهای علمی و آموزشی نبودند به‌طوری‌که عطاملک و برادرش شمس الدین در سال ۶۷۰ ق از محل موقوفات، مدرسه‌ای متروکه را بازسازی کردند. (ابن فوطی، ۱۳۸۱: ۲۲۱؛ صفا، ۱۳۷۳، ج ۳: ۲۰۷) همچنین شمس الدین محمد، سلطان احمد تکودار را تشویق به صدور فرمانی مبنی بر بازسازی مراکز آموزشی توسط دولتمردان ایلخانی نموده (بیانی، ۱۳۷۱، ج ۲: ۴۱۳) و یا همسر عطاملک مدرسه‌ای با عنوان «عصمتیه» را در سال ۶۷۱ ق در بیرون بغداد ساخته و مدرسانی برای آن گمارد. (صفا، ۱۳۷۳، ج ۳: ۲۰۹) در سال ۶۶۸ ق نیز به دستور عطاملک، یک کانال زیرزمینی با هدف انتقال آب به مدرسه مستنصریه ساخته شده که آبش از رودخانه دجله تأمین می‌شد. (ابن فوطی، ۱۳۸۱: ۲۱۸)

عطاملک در مواردی نیز به تنظیم مواد و نظام آموزشی برخی مدارس اقدام می‌نمود، به‌عنوان نمونه اوقات محصلان مدرسه‌ای را به سه قسمت تقسیم کرد. قسمتی برای تدریس، قسمتی برای املا حدیث و قسمتی برای تذکیر و وعظ مسلمانان. (صفا، ۱۳۷۳، ج ۱: ۲۶۳) در حوزه اوقاف نیز اصلاحاتی را ایجاد نموده تا موقوفات مدارس نقش مؤثرتری در حمایت از اساتید و محصلان داشته باشند. (ابن فوطی، ۱۳۸۱: ۲۲۴؛ بیانی، ۱۳۷۱، ج ۲: ۴۰۱)

پرهیز از تعصبات مذهبی در مناسبات علمی

خاندان جوینی علی‌رغم اینکه عمدتاً از اهل سنت بوده و اقتدار سیاسی را حتی در مرتبه وزارت بر عهده داشتند به جز اظهار خشنودی از نابودی اسماعیلیه، (جوینی، ۱۳۸۵، ج ۳: ۱۴۳-۱۴۰) کمتر می‌توان شاهد بروز رفتارهای متعصبانه مذهبی از سوی ایشان بود. شخصیت برون فرقه‌ای ایشان به‌طوری بود که به اعتقاد مستوفی، اهل سنت عطاملک را از نسل عبدالله بن سالم بصری، اسماعیلیان وی را مهدی آخر الزمان و عراقیان وی را از نسل عبدالله بن میمون قذاح^۱ می‌پندارند. (مستوفی، ۱۳۶۴: ۵۸۰) چنین پنداری در مورد ایشان نشان از تصویری مطلوب و حتی اسطوره‌ای فرقه‌های مختلف نسبت به ایشان دارد.

۱. وی یکی از اصحاب و راویان حدیث امام صادق بود که در آثار دشمنان نهضت اسماعیلیه، بنیان‌گذار نهضت اسماعیلیه و جد بزرگ خلفای فاطمی معرفی شده است.

گرچه به دور بودن عظاملک یا شمس الدین محمد جوینی و منسوبین به ایشان از تعصبات و هیجانات مذهبی ممکن است از عقلانیت و تمرکز به مسائل مهم‌تر دینی نشأت گرفته باشد اما از بسترهای محیطی نیز نباید غفلت نمود. چه اینکه به واسطه کشته شدن عالمان و نخبگان بسیار توسط مغولان همچنین تخریب مدارس، نظامیه‌ها و کتابخانه‌ها و البته از بین رفتن قدرت و شکوه دولت‌ها، نوعی زهد و دنیا‌گریزی در سرزمین‌های مغلوبه پدید آمده و زمینه‌ساز رونق تصوف شده بود. تصوفی که توجه چندانی به تمایزات فقهی یا کلامی نداشته و چندی بود که مورد قهر فقها و متکلمین نیز واقع شده بود. در کنار این شرایط، خرقة پوشی برخی از جوینیان نیز به احتمال بی تأثیر نبوده است.

معین الدین جوینی (م ۷۸۱ ق) که از شاگردان فخرالدین خالدی اسفراینی (م ۷۶۰ ق) بود دارای گرایشات صوفیانه بوده و در تصوف پیرو یک جوینی دیگر به نام شیخ سعد الدین حموی (م ۶۵۸ ق) بوده و مورد توجه و عنایت خواجه غیاث الدین محمد بن رشید الدین فضل الله (م ۷۱۷ ق) قرار گرفت. (صفا، ۱۳۷۳، ج ۳: ۱۰۴۲) به نظر می‌رسد در اندیشه عظاملک و شمس الدین جوینی آنچه در این مقطع دارای اهمیت بود هویت دینی و ترغیب سلاطین مغول به سوی تعالیم و باورهای اسلامی و حتی المقدور مسلمان نمودن ایشان بود (رشیدالدین، ۱۳۳۸، ج ۲: ۷۱۵) نه تمایزات فرقه‌ای.

این رویکرد جوینیان باعث شده بود تا مدفن علی فرزند بهاءالدین محمد، فرزند شمس الدین محمد جوینی (وزیر)، که در سال ۶۸۸ ق در کاشان به قتل رسیده بود به زیارتگاه معتبری از سوی اهالی شیعه مذهب تبدیل شود. (رشیدالدین، ۱۳۳۸، ج ۲: ۸۲۰) گفتنی است که خودداری از تعصبات مذهبی گرچه تا حدودی از لوازم دولت‌داری است اما این رویکرد در میان این خاندان پیش از تحصیل اقتدار سیاسی نیز دارای سابقه بوده است. به عنوان نمونه، ابوالمعالی جوینی (م ۴۷۸ ق) که عظاملک و شمس الدین محمد از طریق مادر از بستگان وی به شمار می‌روند، اقدامات مهمی را در مواجهه با تعصبات مذهبی انجام داده بود. او پس از آنکه عمیدالملک کندری (م ۴۵۶ ق) به استبداد مذهبی پرداخته و حتی طغرل بیک سلجوقی را بر آن داشت تا طی حکمی دستور به لعن شیعیان در منابر دهد. ابوالمعالی جوینی با اینکه خود از علمای بارز اهل سنت خراسان بوده و قادر بود براساس مذاهب چهارگانه اهل سنت فتوا دهد، (ابن خلکان، بی تا،

ج ۳: ۱۶۸؛ زرکلی، ۱۹۸۰م، ج ۴: ۱۶۰) به مخالفت با چنین تصمیماتی پرداخته و حتی به مدت چهار سال نیشابور را ترک کرده و عازم مکه شد. (ابن اثیر، ۱۳۸۵، ج ۱۱، ص ۲۳۴)

گرچه کم رنگ شدن تعصبات مذهبی از ویژگی‌های عمومی دوره ایلخانی است اما به نظر می‌رسد سیاست‌ها و دیدگاه‌های دولتمردان و کارگزاران غیر مغول نیز در این خصوص مؤثر بوده است. به‌عنوان نمونه با وجود اینکه شمس الدین محمد و عظاملک جوینی هر دو معتقد به مذهب اهل سنت بوده‌اند اما علاوه بر اقدامات تقریبی چون بازسازی مراقد و مشاهد شیعی، روابط دوستانه و راهگشایی نیز با دانشمندان و نخبگان شیعی از جمله خواجه نصیرالدین طوسی داشته‌اند و چنانچه گفته شد هم مولفان شیعه کتاب‌های خود را به ایشان تقدیم کرده و هم موضوعاتی چون شرح نهج البلاغه مورد علاقه و حمایت ایشان قرار می‌گرفته است. (جوینی، ۱۳۸۵، ج ۱: ۸۲) به غیر از خواجه نصیرالدین طوسی، دانشمندان شیعه دیگری چون بهاء الدین علی بن عیسی اربلی (م ۶۹۲ ق) از محدثین و شعرای شیعه مورد حمایت برادران جوینی قرار گرفته و از سوی عظاملک در سال ۶۵۷ ق به منصب دیوان انشاء منصوب شد. (ابن فوطی، ۱۳۸۱: ۳۴۱) اربلی علاوه بر سرودن اشعاری در مدح و فضایل اهل بیت (ع) با سایر ادبا و نخبگان علمی مانند ابن صلابا نشست‌های مشترک برگزار کرده (اربلی، ۱۹۸۵م: ۸۶-۸۵) و مورد حمایت و علاقه زیاد شمس الدین محمد و عظاملک جوینی بود. (عزازی، ۱۴۲۵ق، ج ۱: ۲۶۱) اربلی مناسبات خود با عظاملک را چنین تصویر می‌کند: «زمانی که در رجب سال ۶۶۰ برای خدمت به صاحب دیوان عظاملک به بغداد رسیدم، از اطرافیان و هواخواهان او شدم و او منصب کتابت انشا را به من واگذار کرد و مورد لطف و عنایت خود قرار داد.» (اقبال آشتیانی، ۱۳۷۶: ۵۰۰۵) تقدیم چند اثر مهم شیعی به عظاملک جوینی توسط سه مؤلف شیعه، نشانه‌ای از به دور بودن عظاملک از تعصبات مذهبی خواهد بود. نخست تلخیص المحصل از خواجه نصیرالدین طوسی و دیگری مصباح السالکین در شرح نهج البلاغه و نیز اختیار مصباح السالکین و تجرید البلاغه از ابن میثم و سوم تذکره الفخریه از بهاء الدین منشی اربلی.

توسعه دانش و نگارش با هدف صیانت از ذخائر علمی و تمدنی

عظاملک جوینی در کنار برخی دیگر از نخبگان مسلمان، تلاش داشته در میان تهدیدات سهمگین حمله مغول فرصت‌هایی را یافته و تلاش نماید در گیر و دار سلطه مغولان در مواردی به‌واسطه

نگارش کتاب یا حفظ رویدادها، منابع و متون گذشته، حافظ فرهنگ و تمدن اسلامی باشند. به‌عنوان نمونه علاءالدین عطاملک جوینی در علت و انگیزه تألیف کتاب خود می‌نویسد: «جمعی از یاران وفا و اخوان صفا.. اشارتی راندند که برای تخلید مآثر گزیده و تأیید مفاخر پسندیده پادشاه وقت... تاریخی می‌باید پرداخت و تقیید اخبار و آثار او را مجموعه ساخت که ناسخ آیات قیاصه و ماحی روایات اکاسره شود.» (جوینی، ۱۳۸۵، ج ۱: ۲-۳) چه اینکه به نظر می‌رسد در پی انحطاط تمدن اسلامی به‌واسطه حمله مغولان، برخی نخبگان و گروه‌ها به جای صیانت از میراث اسلامی به تفاخر باستانی روی آورده و به‌کلی از میراث در معرض انقراض خود غافل یا مأیوس گشته بودند. از این‌رو دوستان مورد اعتماد عطاملک از وی خواستند کتابی تاریخی بنگارد که نسخ و محو تفاخرهای قیصری و کسروی از نتایج آن باشد. او حتی در ضمن گزارش از سقوط قلاع اسماعیلیه که خود نیز از شاهدان آن بوده از هلاکو می‌خواهد تا اجازه یابد کتابخانه این قلاع را قبل از سوزانده شدن مورد بررسی قرار داده و برخی از کتاب‌ها را نگاه دارد. (جوینی، ۱۳۸۵، ج ۱، ۴۴) به نظر می‌رسد او با حفظ کردن تعداد محدودی از آثار اسماعیلیه، با رویکرد غالب جامعه در منحرف دانستن الموت نشینان همراهی نموده است و الا سوزاندن کتابخانه‌ها در هر زمان و مکانی امری مذموم و تمدن سوزانه است.

حمایت از شعرا و متون ادبی

ادبیات و شعر گرچه برگرفته از ذوق و جوهر درونی است اما نمی‌توان آن را خارج از دایره علوم دانست. چه اینکه مانند سایر دانش‌ها مبتنی بر روش، سنجه، منابع، اهداف و غایات مشخص است. نخبگان جوینی در حوزه ادبیات و شعر نیز دارای آثار و عملکردهای ارزشمندی هستند. به‌عنوان نمونه شاید بتوان تاریخ جهان‌گشا را به لحاظ ادبی در رتبه سوم بعد از راحه الصدور و فرائد السلوک دانست. (علوی زاده، رادمرد، ساکت، ۱۳۸۹: ۷۰) به هر روی در جای جای این کتاب از قالب‌های شعری همانند آنچه در شاهنامه منعکس است، استفاده شده است. (جوینی، ۱۳۸۵، ج ۲: ۱۳۹)^۱ سرودن شعر فارسی به‌عنوان قالبی ادبی در انتقال مفاهیم و پیام‌ها پیش از این توسط

۱. که آن شاه در جنگ نر اژدهاست دم آهنگ بر کینه ابر بلاست/ شود کوه خارا چو دریای آب اگر بشنود نام افراسیاب.

برخی از بزرگان جوینی همچون بهاء الدین محمد پدر شمس الدین محمد و عظاملک مسبق به سابقه بوده (جوینی، ۱۳۸۵، ج ۲: ۲۵۸-۲۵۶) و مورد اهتمام نسل‌های بعدی این خاندان مانند شرف الدین هارون فرزند دوم شمس الدین محمد نیز بوده است. (نفیسی، ۱۳۴۴: ۱۴۸)

ارتباط خاندان جوینی با ادبا به‌ویژه شاعران ایرانی موضوعی مهم و نیازمند پژوهشی مستقل است. چه اینکه چهره‌های شاخص جوینی در دوره زمانی مورد بحث همچون شمس الدین محمد، علاء الدین عظاملک، بهاء الدین محمد، شرف الدین هارون همگی به تعظیم شعرا اهتمام ورزیده و توسط ایشان مدح شده‌اند. (صفا، ۱۳۷۳، ج ۳: ۴۳) برخی از شاعران ایرانی که در اشعار خود جوینیان را به دلیل ادب دوستی ستوده‌اند عبارت‌اند از: سعدی شیرازی (م ۶۹۱ ق)، خواجه نصیرالدین طوسی (م ۶۷۲ ق)، صفی الدین ارموی (م ۶۹۳ ق)، خواجه هماد الدین تبریزی (م ۷۱۴ ق) و بدر الدین جاجرمی (م ۶۸۶ ق) (رک: مقدمه جهانگشای جوینی، تصحیح قزوینی؛ مشکور، ۱۳۷۴: ۵۳۸؛ پیرنیا و اقبال آشتیانی، ۱۳۷۶: ۵۰۳)

برخی از این شعرا همچون سعدالدین بن شمس الدین نزاری قهستانی (م ۷۱۲ ق) در تبریز همسفر شمس الدین محمد جوینی گشته و او را در سفر گرجستان و ارمنستان همراهی نموده است. (صفا، ۱۳۷۳، ج ۳: ۷۳۸) قاضی نظام الدین اصفهانی دیگر شاعر ایرانی است که دیوان مستقلی را به مدح خاندان جوینی اختصاص داده است. (خواند میر، ۱۳۸۰، ج ۳: ۱۱۷)

ابوعبدالله مشرف بن مصلح مشهور به سعدی شیرازی نیز با وجود اینکه چندی پیش از حمله مغول در نظامیه اشتغال به تحصیل داشته و از اساتیدی چون سهروردی (م ۵۸۷ ق) بهره برده و چندان مایل به تملق نبوده است اما بزرگان جوینی عصر خویش را به واسطه خدمات فرهنگی و ادبی ستوده است. (جوینی، ۱۳۸۵، ج ۱: ۸۲؛ اقبال آشتیانی، ۱۳۷۶: ۵۳۹)

به هیچ خلق نباید که قصه برداری
مگر به صاحب دیوان عالم عادل

سپهر منصب و تمکین علاء دولت و دین
سحاب رأفت و باران رحمت وابل

کف کریم و عطاء عمیم او نه عجب
که ذکر حاتم و امثال او کند باطل

به دور عدل تو ای نیک نام نیک انجام
خدایراست بر آفاق نعمتی طائل

هزار سعدی اگر دایمیش ثنا گوید	هزار چندان مستوجب است و مستأهل
هزار دستان بر گل سخن سرای چو سعدی	دعای صاحب عادل علاء دولت و دین را
وزیر مشرق و مغرب امیر مکه و یثرب	که هیچ ملک ندارد چنو حفیظ و امین را
به عهد ملک وی اندر نماند دست تطاول	مگر سواعد سیمین و بازوان سمین را
بزرگ روی زمین پادشاه صدرنشین	علاء دولت و دین صدر پادشاه نشان
که گردنان اکابر نخست فرمانش	نهند بر سر و پس سر نهند بر فرمان
خنک عراق که در سایه حمایت توست	حمایت تو نگویم عنایت یزدان
ز پاس تونه عجب در دیار فرس و عرب	که گرگ بر گله یارا نباشدش عدوان
ز خلق گوی لطافت تو برده‌ای امروز	که دل به دست تو گوی است در خم چوگان
چنانکه صاحب عادل علاء دولت و دین	به دست فتح و ظفر گوی برده از میدان

سعدی شیرازی چندان مورد احترام شمس الدین و عظاملک جوینی بود که از سوی ایشان پدر خطاب می‌گشت. سعدی یکبار در بازگشت از بغداد و حجاز در آذربایجان این دو برادر جوینی را ملاقات نمود. (راوندی، ۱۳۸۲، ج ۸: ۴۸۶) بهاءالدین جامی از دیگر شاعران شهیر قرن هفتم است که مدتی را در محضر عظاملک جوینی خدمت کرده و پس از آن به اصفهان مهاجرت کرده و کارگزار بهاءالدین محمد جوینی فرزند شمس الدین محمد گشت. (صفا، ۱۳۷۳، ج ۳: ۶۶۱) بدرالدین جاجرمی دیگر شاعر ایرانی است که به اصفهان و دربار بهاءالدین محمد جوینی شتافته

و از سوی وی ملقب به «ملک الشعرا» شد. (مشکور، ۱۳۷۴: ۵۳۸) بهاءالدین محمد جوینی میزبان شاعری دیگر به نام خواجه مجدالدین بن احمد همگر (م ۶۸۶ ق) بوده است. این شاعر صاحب نام، کتاب اشعار خود با عنوان «قابوسنامه عنصر المعالی» را به بهاءالدین محمد جوینی هدیه نمود. (خواندمیر، ۱۳۸۰، ج ۳: ۱۱۷) اجتماع شاعران ایرانی پیرامون خاندان جوینی و حمایت مالی و اجتماعی ایشان از شاعران توانسته بود میراث ارزشمندی از شعر فارسی را در این دوره به وجود آورد.

جانمایی اسطوره‌های ایرانی در متون و تألیفات علمی

شمس الدین محمد و عطاملک جوینی علی‌رغم جدا شدن از خاستگاه خود در خراسان و حضور در دربار مغولان؛ اما مغلوب مغولان نگشته و در تألیفات خود ضمن پابندی به معارف اسلامی، تلاش شده است اسطوره‌های ایرانی علاوه بر متون علمی، در زندگی روزمره مردم نیز جریان یابد. به‌عنوان نمونه عطاملک در کتاب خود حتی در نقل گزارش‌های تاریخی در بد عاقبتی سلطان سعید که از دولتمردان عصر وی است، به تقابل بیژن و اسفندیار تمثل بسته (خواندمیر، ۱۳۸۰، ج ۳: ۶۲) و یا در مقام بیان شجاعت یا بی باکی جنگویان مغول، آن‌ها را به سهراب مثال زده است. (خواندمیر، ۱۳۸۰، ج ۳: ۱۰۷)^۱ این موضوع در مقاله «افسانه‌ها و اسطوره‌های ایرانی در تاریخ جهانگشای جوینی» تألیف احمد خاتمی و زیبا قریشی به صورت تفصیلی مورد توجه قرار گرفته است. (خاتمی و قریشی، ۱۳۹۱: ۶۸-۵۳)

نتیجه‌گیری

توجه به تجارب تاریخی دولتمردان و نخبگان در ادوار مختلف تاریخی خواهد توانست ما را در احیای مجدد تمدن اسلامی یاری رساند چه اینکه غفلت از هویت، شرایط و میراث تمدن اسلامی-ایرانی و تقلید از مدل‌های بیگانه و تکرار آزمون و خطاهای متعدد در حوزه‌های مختلف تمدنی به‌ویژه توسعه دانش و آموزش پیامدهای غیر قابل جبرانی را برای ما به‌دنبال خواهد داشت.

۱. برفتند و روی جهان تیره گشت/ ز سهراب گردون همی خیره گشت.

حمله مغول به سرزمین‌های اسلامی گرچه یادآور کشتار انسان‌های بی‌شمار و به یغما رفتن میراث سترگ تمدنی جهان اسلام است اما در این شرایط اسفبار، برخی دولتمردان و نخبگان ایرانی توانستند در دربار هلاکو و سایر سلاطین ایلخانی حضور یافته و تا حد مقدور از خسارت‌های این رخ داد بکاهند. بررسی مجموعه فعالیت‌ها و تدابیر اتخاذ شده توسط چهره‌های شاخص خاندان جوینی در این دوره که در شمس الدین محمد و بهاء‌الدین عظاملک و فرزندانشان تبلور یافته، خواهد توانست علاوه بر تعیین سهم نخبگان ایرانی در بازیابی علمی و آموزشی سرزمین‌های شرقی جهان اسلام در دوره ایلخانی، نموداری از اقدامات، سیاست‌ها و راهکارها را ارائه داده و میراث تجربی مهمی را به یادگار بگذارد. در این دوره بزرگان جوینی تلاش نمودند با استفاده از میراث اسلامی و ایرانی علاوه بر منزه ساختن جامعه از آسیب‌ها و چالش‌های گذشته، بستر جدیدی را برای رونق و شکوفایی علمی به وجود آورده و حتی تهدید مغولان را به واسطه تشویقشان به پذیرش اسلام تبدیل به فرصت خدمت رسانی نمایند. آن‌ها در سایه حمایت از علما و تولید آثار علمی، تأسیس یا بازسازی مدارس و اصلاح نظام آموزشی تلاش نمودند تا کانون‌های علم و دانش آموزی را احیا نمایند. گفتنی است که آن‌ها علاوه بر اعتلای علم و دانش اهداف دیگری را از تدابیر و سیاست‌های علمی دنبال می‌نمودند. از جمله صیانت از فرهنگ و تمدن اسلامی و ایرانی، جلوگیری از تعصبات مذهبی، متمایل نمودن و حتی سهیم نمودن ایلخانان مغول در توسعه تمدن اسلامی، جانمایی تعالیم و آموزه‌های اسلامی در متون و منابع تألیفی. نقد و بررسی این تجارب تاریخی خواهد توانست یاری‌گر سیاست‌گزاران علمی و آموزشی جامعه ما در عصر حاضر باشد تا بتوانند هرچه بهتر علم و دانش را در راستای تعالی تمدن اسلامی به‌کارگیرند.

کتابنامه

- ابن اثیر، عز الدین أبو الحسن علی بن ابی الکرم (۱۳۸۵). الکامل فی التاریخ، بیروت: دار صادر.
- ابن خلکان، شمس الدین احمد (بی تا). وفیات الاعیان و انباء ابناء الزمان، تحقیق احسان عباس، لبنان: دارالثقافه.
- ابن طاووس، عبد الکرم بن احمد (بی تا). فرحه الغریفی تعیین قبر امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام فی النجف، قم: منشورات الرضی.
- ابن عدیم، عمر بن احمد (بی تا). بغیة الطلب فی تاریخ حلب، بیروت: دار الفکر.

ابن فوطی، عبدالرزاق (۱۴۱۵ ق). مجمع الاداب فی معجم الالقب، تحقیق محمد الکاظم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

----- (۱۳۸۱). حوادث الجامعة و التجارب النافعه فی المائه السابعة، مترجم عبدالحمید آیتی، تهران: دانشگاه تهران.

ابن کثیر، أبو الفداء اسماعیل بن عمر (۱۴۰۷ ق). البداية و النهایة، بیروت: دار الفکر.

ابن مستوفی، مبارک بن احمد (۱۹۸۰ م). تاریخ اربل، مصحح: صقار، سامی بن السید خماس، عراق: دارالرشید للنشر.

اربلی، بهاء الدین المنشی (۱۹۸۵ م). تذکرة الفخریة، تحقیق: نوری حمودی القیسی و حاتم صالح الضامن، بغداد: مطبعة المجمع العلمي العراقي.

اشپولر، بارتولد (۱۳۵۱). تاریخ مغول در ایران، ترجمه میر آفتاب، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

اصفهانیان، داوود (۱۳۶۹). «خاندان جوینی در دستگاه ایلخانی» نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی، ش ۱۳۴، ص ۲۸-۱۲.

اقبال آشتیانی، عباس (۱۳۷۶). تاریخ مغول و اوایل ایام تیموری، تهران: نشر مالک.

براون، ادوارد (۱۳۳۹). تاریخ ادبیات ایران از سعدی تا جامی، ترجمه علی اصغر حکمت، تهران: ابن سینا.

بزرگ بیگدلی، سعید، نعیمه، آقانوری (۱۳۹۵). «بررسی و تحلیل نمودهای فرهنگ پایداری در تاریخ جهانگشای جوینی» فصلنامه تاریخنامه خوارزمی، س سوم، ص ۷۹-۴۵.

بهنام فر، محمد حسن (۱۳۹۶). نقش خاندان جوینی در مواجهه با مغولان، دومین همایش ملی بازشناسی مشاهیر و مفاخر خراسان در ادب پارسی، دسترسی در <https://civilica.com/doc/686551>

بیانی، شیرین (۱۳۷۱). دین و دولت در ایران عهد مغول، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

پتروشفسکی (۱۳۴۴). کشاورزی و مناسبات ارضی در ایران عهد مغول، ترجمه کریم کشاورز، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران.

پیرنیا، حسن، عباس اقبال آشتیانی (۱۳۸۰). تاریخ ایران از آغاز تا انقراض سلسله قاجاریه، تهران: خیام. جامی، نورالدین عبدالرحمان (۱۳۷۵). نفحات الانس من حضرات القدس، تصحیح محمود عابدی، بی جا.

جوینی، عطاملک (۱۳۸۵). تاریخ جهانگشا، محقق، مصحح: محمد قزوینی و سید شاهرخ موسویان، تهران: دنیای کتاب.

- حاجی خلیفه، مصطفی بن عبدالله چلبی (بی تا). تقویم التواریخ، تصحیح میرهاشم محدث، بی جا.
- حلمی، احمد کمال الدین (۱۳۸۷). دولت سلجوقیان، ترجمه عبدالله ناصری طاهری، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- خاتمی، احمد، زیبا قریشی (۱۳۹۱). «افسانه‌ها و اسطوره‌های ایرانی در تاریخ جهانگشای جوینی» مجله تاریخ ادبیات، ش ۳، ص ۶۸-۵۳.
- خواندمیر، غیاث الدین بن همام الدین (۱۳۸۰). تاریخ حبیب السیر، تهران: خیام.
- دهقانی، رؤیا (۱۳۹۷). «سیری در زندگی، افکار و اندیشه‌های عظام‌لک جوینی» نشریه رخسار زبان، ش ۴، ص ۸۳-۶۹.
- ذهبی (۱۴۰۷ق). تاریخ الإسلام، تحقیق: عمر عبد السلام تدمری، بیروت: دار الکتب العربی.
- راوندی، مرتضی (۱۳۸۲). تاریخ اجتماعی ایران، تهران: انتشارات نگاه.
- رشید الدین، فضل الله (۱۳۳۸). جامع التواریخ، به کوشش بهمن کریمی، تهران: انتشارات اقبال.
- رشیدو، پی نن (۱۳۶۸). سقوط بغداد و حکمرانی مغولان در عراق، مترجم اسدالله آزاد، مشهد: آستان قدس رضوی.
- ریپکا، یان (۱۳۵۴). تاریخ ادبیات ایران، ترجمه دکتر عیسی شهابی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- زرکلی، خیر الدین (۱۹۸۰م). الأعلام، بیروت: دار العلم للملایین.
- سبکی، عبد الوهاب بن علی (بی تا). طبقات الشافعیة الكبرى، تحقیق: محمود محمد الطناحی - عبد الفتاح محمد الحلو، بی جا: دار إحياء الكتب العربية.
- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر (۱۴۱۸ق). حسن المحاضرة فی أخبار مصر و القاهرة، مصحح منصور، خلیل عمران، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- شعبانی، رضا، زهرا امیری (۱۳۹۰). «اقدامات خاندان جوینی در زمان مغول» نشریه مسکویه، د ۶، ش ۱۶، ص ۱۱۸-۱۰۵.
- شوشتری، قاضی نورالله (۱۳۷۷). مجالس المومنین، تهران: انتشارات اسلامیة.
- شیرازی، فضل الله بن عبدالله (۱۳۳۸). تاریخ وصاف الحضرة، به اهتمام محمدمهدی اصفهانی، تهران: کتابخانه ابن سینا و جعفری.
- صفا، ذبیح الله (۱۳۷۳). تاریخ ادبیات در ایران از اوایل قرن هفتم تا پایان قرن هشتم، تهران: فردوس.
- طهرانی، آقا بزرگ (بی تا). الذریعة، بیروت: دار الأضواء.
- عزازی، عباس (۱۴۲۵ق). موسوعة تاریخ العراق بین احتلالین، بیروت: الدارالعربیة للموسوعات.

- علوی زاده، فرزانه، سلمان ساکت و عبدالله رادمرد (بی تا). «نقش ابیات شاهنامه در انسجام متنی تاریخ جهانگشا جستارهای ادبی»، ش ۱۷۱، ص ۷۰.
- علیخانی، محمد، سعید بزرگ بیگدلی (۱۳۹۲). «نمودهای برجسته هویت ایرانی در تاریخ جهانگشای جوینی» فصلنامه کهن نامه ادب پارسی، س چهارم، ش اول.
- قدیانی، عباس (۱۳۸۷). فرهنگ جامع تاریخ ایران، تهران: آرون.
- قزوینی، زکریا بن محمد (۱۹۹۸ م). آثار البلاد و اخبار العباد، بیروت: دار صادر، ج اول.
- کاظمی موسوی، سید احمد (۱۳۶۹). «مروری انتقادی بر کتاب غیاث الامم فی التیث الظلم نوشته امام الحرمین ابوالمعالی جوینی» نشریه تحقیقات اسلامی، س پنجم، ش ۱ و ۲، صص ۱۴۵-۱۳۵.
- کحاله، عمر بن رضا (بی تا). معجم المؤلفین، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- کوپرولو، فؤاد، علاء الدین جوینی (بی تا). دایره المعارف اسلام به زبان ترکی استانبولی.
- محبوبی اردکانی، حسین (بی تا). چهل سال تاریخ ایران، تصحیح ایرج افشار، تهران: اساطیر.
- مدرسی زنجانی، محمد (۱۳۷۹). سرگذشت و عقاید فلسفی خواجه نصیرالدین طوسی، تهران: امیرکبیر.
- مستوفی، حمدالله (۱۳۶۴). تاریخ گزیده، با اهتمام عبد الحسین نوانی، تهران: امیرکبیر.
- مشکور، محمدجواد (۱۳۷۴). اخبار سلاجقه روم به انضمام مختصر سلجوقنامه ابن بی بی، تهران: کتاب فروشی.
- مظفر، محمد حسین (۱۳۹۲). تاریخ شیعه، مترجم: سید محمد باقر حجتی، قم: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- منزوی، احمد (۱۳۸۲). فهرستواره کتابهای فارسی، تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی.
- نعیمی دمشقی، عبد القادر بن محمد (۱۴۱۰ ق). الدارس فی تاریخ المدارس، مصحح: شمس الدین، ابراهیم، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- نفیسی، سعید (۱۳۴۴). تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی، تهران: انتشارات فروغی.
- هوشنگی، حسین (۱۳۸۷). «جوینی عبدالملک بن عبدالله بن یوسف بن محمد بن حیویه» دانشنامه جهان اسلام، تهران: انتشارات دانشنامه جهان اسلام.